

معنویت‌های نوپدید و چالش‌های آینده‌ی انقلاب اسلامی

حمید نگارش*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۱۸

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

معنویت‌های نوپدید
و چالش‌های آینده‌ی
انقلاب اسلامی
(۲۵ تا ۴۰)

چکیده

انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی، با معنویت‌های نوپدید مواجه بوده است. از این رو، تأثیر این پدیده‌ها بر انقلاب اسلامی مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته، اما اثر آن بر آینده‌ی انقلاب اسلامی مبهم باقی مانده است؛ ابهامی که شفاف‌سازی آن در آثار منتشره شده در زمینه‌ی انقلاب اسلامی و معنویت‌های جدید به چشم نمی‌خورد. لذا این پرسش پیش روی ماست که: «چالش بین معنویت‌های مدرن با معنویت دینی برآمده از انقلاب اسلامی، چه تبعاتی را متوجه آینده‌ی انقلاب اسلامی خواهد کرد؟» رشد و تکثیر معنویت‌های نوپدید برگرفته از مبانی نظام لیبرال دموکراسی به دنبال سکولاریزه‌نمودن معنویت دینی منبعت از انقلاب اسلامی است. این مقاله برای نشان دادن پیامدهای معنویت‌های نوپدید در نابودسازی سرشت الهی و معنوی انقلاب اسلامی (هدف) از شیوه‌ی توصیف و تحلیل، بهره می‌برد (روش). رخنه و نفوذ معنویت‌های نوپدید در معنویت دینی انقلاب اسلامی، معنویت‌های تازه‌ای را می‌آفریند که تشخیص آن از ناسره، تنها در پرتو بصیرت صورت می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی:

معنویت نوپدید، معنویت دینی، جنبش‌های نوپدید، انقلاب اسلامی، هویت دینی.

* استادیار اندیشکده آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی پژوهشگاه امام صادق (ع)

(hamid_negarsh@yahoo.com)

پیروزی انقلاب اسلامی در حساس‌ترین منطقه‌ی ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی دنیا برگ زرینی بود که در صفحات تاریخ پر فراز و نشیب ملت سرافراز ایران رقم خورد و بار دیگر رویارویی همیشگی حق و باطل در نقطه‌ای حساس به اوج خود رسید. در اثر این واقعه‌ی عظیم تاریخ‌ساز، معنویت دینی و الهی مخوف‌ترین تجهیزات نظامی و کشتار جمعی را به‌هیچ انگاشت تا جهانیان، بزرگ‌ترین معجزه‌ی قرن را در انفجار نور با شگفتی و حیرت به‌نظاره بنشینند. بدین‌سان بیگانگان به مقابله با این پدیده‌ی شگفت‌انگیز دهه‌های پایانی قرن بیستم برخاستند و برای نابودی آن از هیچ کوششی دریغ نمودند. نفوذ در ارکان دولت موقت، تحریک گروه‌های قومی و مذهبی و سیاسی، ایجاد آشوب و ناامنی در نقاط مختلف کشور، تقویت تجزیه‌طلبان و تحمیل بزرگ‌ترین جنگ کلاسیک پس از جنگ جهانی دوم از سوی رژیم بعثی از جمله اقداماتی بود که برای مهار و نابودی این خیزش الهی و معنوی در مهم‌ترین نقطه‌ی استراتژیکی جهان پیموده شد؛ اما در کمال ناباوری با سد عظیمی به‌نام حماسه و ایثار، وحدت و هم‌دلی، عشق و ایمان و بالاتر از همه اندیشه‌ی پویا و مترقی ولایت و مکتب سرافراز تشیع علوی و فرهنگ پر فروغ و حماسی شهادت عاشورایی برخورد نمود. بدین روی دشمنان دریافتند که علت مبقیه انقلاب، همان علت موجد است؛ یعنی رمز پیدایی و پایایی انقلاب اسلامی همان معنویت دینی اسلامی است که تمام توطئه‌ها و ترفندها را با شکست مواجه نموده است. در این میان رشد قارچ‌گونه و تکثیر و تبلیغ معنویت‌های نوپدید در سه دهه‌ی اخیر از طرق گوناگون، به‌ویژه شبکه‌های مجازی، تعجب صاحب‌نظران و کارشناسان دینی را برانگیخته است.

در یک تقسیم‌بندی کلی این معنویت‌ها را می‌توان به دو گونه تقسیم‌بندی کرد: گونه‌ای که ریشه‌ی آن برگرفته از آیین‌های شرقی هم‌چون: اشو، دالایی لاما، سای بابا، رام‌الله، فالون دافا است و گونه‌ای که برگرفته از آیین‌های غربی هم‌چون: اکنکار، عرفان سرخ‌پوستی، پائولو کوئیلو است. پدیده‌ای که در راستای سکولاریزه نمودن معنویت ادیان الهی، به‌ویژه اسلام ناب به میدان آمد تا با بهره‌گیری از مبانی نظام لیبرال دموکراسی غربی و غالباً در پوشش جنبش‌های نوپدید دینی یادشده، معنویت دینی و انقلابی مردم ایران را به‌چالش بکشاند و خرمن باورهای معنوی و انقلابی آنان را بسوزانند. از آن‌جا که مدل معنویت انقلاب اسلامی ایران، مدل معنویت دینی و الهی بود، از این چالش فراگیر در امان نماند. برای مثال: روشنفکران این مسأله را با عناوین ظاهر فریبی هم‌چون نواندیشی، نوگرایی و اصلاح‌گری تزیین کرده و به‌ترویج نظریه‌هایی مانند: پلورالیسم و مانند آن پرداختند؛ ختم نبوت را به ختم دیانت تعبیر کردند؛ صراط مستقیم را به صراط‌های مستقیم تقسیم‌بندی نموده و عقل تجربی را جایگزین وحی الهی نمودند؛ در نهایت نیز مدعی شدند

هیچ دینی نمی‌تواند ادعای حقانیت محض داشته باشد. این طیف بر آن بودند تا با این ترفند، معنویت نوین را در تمدن مطلقاً مادی و فاسد غربی و به‌دور از معنویت اسلامی و الهی تجربه کنند. امام خمینی (ره) می‌فرمود:

«دشمنان و جهان‌خواران تاکی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی

استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه‌ی

هویت‌ها و ارزش‌های معنویمان نمی‌شناسند.» (۱۳۶۱، ج ۲۱: ۲۳۷)

روند رو به تزاید این حرکت حساب‌شده که در تکمیل تأثیرگذاری خود از حمایت نظام لیبرالی غرب برخوردار است، برای آینده‌ی انقلاب و نظام اسلامی زیان بار خواهد بود. از بین رفتن باورها و معنویت دینی، مساوی با بی‌هویتی و در نتیجه فروپاشی نظام و انقلاب اسلامی خواهد بود. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید:

«معنویت در وجود انسان مایه‌ی هدف‌دار شدن است. زندگی را معنا و

جهت می‌دهد. هم‌چنان که آرمان‌های معنوی و اخلاقی زندگی یک جامعه و

یک ملت را جهت‌دار می‌کند و به تلاش و مبارزه‌ی آن‌ها معنا می‌دهد و برای

انسان هویت می‌سازد. وقتی یک ملت و یک کشور از آرمان‌های اخلاقی و

معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست می‌دهد و مثل پر کاهی و

می‌شود. گاهی به این‌طرف و گاهی به آن‌طرف می‌رود. گاهی دست این و

گاهی دست آن می‌افتد.» (۸۱/۷/۱۷)

از جمله اهدافی که این نوشتار - در راستای نگاه به آینده‌ی انقلاب اسلامی و در مصاف با معنویت‌های نوپدید - دنبال می‌کند، بازشناسی وظایف فعلی است. به تعبیر صائب تبریزی که گفته است: «چهره‌ی امروز از آئینه‌ی فردا خوش است» درنگ و تأمل در چهره‌ی امروزین انقلاب از منظر تفکر فردایی ارزش‌مند خواهد بود. برای شناخت درست وظایف امروز باید نگاهی فردایی داشت تا از آن‌جا، امروز را بهتر بتوان دید. با توجه به اسلام ناب که به اراده و اختیار انسان در مسیر تاریخ‌سازی نگاه ویژه‌ای دارد، باید با تبیین و مقایسه‌ی تطبیقی شاخص‌های معنویت دینی با معنویت نوپدید، ضمن بصیرت‌زایی، زمینه‌ی تقویت حرکت روبه‌رشد انقلاب اسلامی را رقم بزنیم.^۱ شواهد مختلفی گواهی از آن دارد

۱. در نگاه کلان به آینده‌ی انقلاب اسلامی به‌طور خلاصه سه دیدگاه عمده وجود دارد. یک: "دیدگاه فروپاشی و استحاله‌ی انقلاب اسلامی" که معتقد است همه‌ی انقلاب‌ها دارای مراحل مشابهی هستند و در طول حیات خود وارد مراحل یکسان فراز و فرود خواهند شد. برخی از نظریه‌پردازان مانند بریتون از این پدیده با عنوان ترمیدور یاد کرده‌اند. دوم: دیدگاه "تداوم بی‌قید و شرط انقلاب اسلامی" که معتقد است با

که تمدن سکولار غربی یارای ایستادگی در برابر معنویت دینی انقلاب اسلامی را ندارد؛ بدین روی به فکر بازتولید بدیل آن در قالب معنویت‌های نوپدید برآمده و آن‌ها را فراوری نموده تا زمینه‌ی سکولاریزه‌نمودن ماهیت انقلاب اسلامی و فروپاشی آن را به‌وجود آورند.

معنویت‌های نوپدید

معنویت در لغت، مصدر جعلی از واژه‌ی "معنوی" است و معنوی یعنی منسوب به معنی، در مقابل "لفظی" است. این کلمه در معانی دیگری مانند: حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، باطنی و روحانی به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه معنویت). احساسات متوجه امور روحانی که کاملاً متمایز از جهان مادی است و کیفیت ویژه‌ی ارتباط با گیتی را که در یک سنت خاصی وجود دارد، معنویت می‌خوانیم. معنویت در طول تاریخ کاربردهای گوناگونی داشته است (حمیدی، ۱۳۹۲: ۳۷). واژه‌ی معنویت در اوایل قرن پنجم با توجه به کاربردهای کتاب انجیل به هرچیزی که به کلیسا و روحانیون تعلق داشت گفته می‌شد. در آغاز قرن دوازدهم، معنویت در مقابل جسمانیت و مادیت قرار گرفت. در قرن ۱۸ و ۱۹ کاربرد این معنی رو به افول گذاشت و در دوران مدرن، معنویت به کلی از مفهوم مطرح در مفهوم ادیان ابراهیمی جدا شد و متضمن مفهومی درون‌گرا گردید که منجر به رفاه و توسعه‌ی تجربه‌ی درونی افراد می‌گشت. امروز، با تحولاتی در این واژه روبه‌رویم و معنای‌ای چون: تمرکز، ایجاد خلأ، آرامش حاصل از تأمین نیازهای مادی، معنای زندگی و هدف‌مندی آن از آن اراده می‌شود (موسوی نسب، ۱۳۹۳: ۲۲). آن‌چه که محرز است غریبان با تکیه بر مبانی سکولاریستی و اومانیستی به دنبال پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان عصر جدید هستند؛ به همین جهت معنویتی که در غرب شکل گرفت، عموماً از نوع معنویت‌های متناسب با مبانی لیبرالیستی است. در این نوع معنویت اعتقاد به خدا جایگاهی ندارد؛ چه رسد به دین و آموزه‌های وحیانی. اغلب آنان معنویت را خارج از چارچوب ادیان الهی جستجو می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۴). در این نوع معنویت هرگونه تجربه‌ی عاطفی می‌تواند معنویت به حساب آید و اعتقادی به حقیقتی که ماورای عالم ماده باشد، وجود ندارد. مهم، برانگیخته‌شدن خود فرد است و لاغیر. در این نوع معنویت جایی برای تکلیف نیست و

توجه به ماهیت ضدغربی انقلاب و شکل‌گیری هویت جدید، تداوم انقلاب اسلامی قطعی است (عسگری، ۱۳۸۵: ۸۲). سه: "نظریه‌ی تداوم مشروط انقلاب اسلامی" که اگر انقلاب برپایه‌ی اصول و مبانی‌ای باشد که براساس آن‌ها انقلاب شکل گرفته، می‌تواند به راه خود ادامه دهد (محمدی، ۱۳۷۰: ۱۹۶). با توجه به کامل بودن نظریه‌ی سوم به نظر می‌رسد بصیرت‌زایی در خصوص جایگاه مهم ماهیت دینی انقلاب اسلامی در مصاف چالش‌هایی هم‌چون معنویت‌های نوپدید، بسیار راه‌گشا خواهد بود.

انسان‌ها مکلف به دستورالعمل‌های شرعی نمی‌باشند. آنچه که امروز در معنویت نوپدید القا می‌شود، معنویت بدون دین است. یعنی انسان به دنبال معنویت برود، در عین این که شاخص‌های ادیان الهی به‌ویژه اسلام ناب را برنتابد. امروز القای معنویت دروغین خارج از چهارچوب دستورات الهی در برنامه‌های اصلی دشمن قرار دارد.

معنویت دینی

معنویت دینی برآیندی است که از فرآیند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت دینی حاصل می‌شود؛ بنابراین بدون معرفت نسبت به حقایق عالم و ملکوت جهان مادی و نیز ایمان به خدا و صفات و افعال او، معنویت دینی مفهومی نخواهد داشت. خداوند، منبع و محور و بخشاینده‌ی معنویت می‌باشد و معنویت منهای خدا، چیزی جز فریب و دل‌مشغولی ظاهری نیست (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۲۳). آنچه که مسلم است معنویت دینی - که مصداق اتم و کامل آن معنویت اسلامی است - بر شاخص‌های: خدامحوری، شریعت‌محوری، عقلانی، تقوی و خویشتن‌داری استوار است؛ برخلاف معنویت‌های نوپدید که بر محوریت انسان خودخدا استوار می‌باشد. در این نوشتار مراد از معنویت دینی، معنویت اسلامی است که در چارچوب آموزه‌های اسلامی و در پرتو بندگی و ارتباط با مبدأ حکیم شکل می‌گیرد؛ تبلور این ارتباط معنوی را در مناجات‌ها و راز و نیازهای معصومین به‌ویژه امیرمؤمنان علی(ع)، امام حسین(ع) و امام سجاد می‌توان یافت. این نوع ارتباط‌ها برترین و بالاترین روش کسب معنویت را برای آحاد بشریت به‌ویژه مسلمانان به‌ارمغان آورده است. انسانی که رفتار و سلوکش ریشه در وحی دارد، از هویت دینی و در نتیجه از معنویت دینی و آسمانی برخوردار است. این هویت بعد از تحکیم ارتباط آدمی با خداوند متعال و پذیرفتن حاکمیت الهی در وجود انسان و جامعه پدید می‌آید. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان‌ها و هدف‌های دینی شکل می‌گیرد. هویت و معنویت دینی به انسان نشان می‌دهد که عالم طبیعت مرتبه‌ی نازل هستی و متأثر از مرتبه‌ی برتر آن یعنی عالم ملکوت است. انسان در جهان‌بینی الهی جایگاهی والا و ارزش‌مند دارد؛ خلیفه و جانشین خداوند در زمین است و می‌داند از کجا آمده و به کجا رهسپار است. انسانی که از منظر دین به عالم هستی می‌نگرد، هرگز از باطن امور که نسبت به ظاهر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، غافل نمی‌شود و می‌کوشد ضمن برخوردارگی از معنویت دینی، پندار، گفتار و رفتار خویش را با جهان‌بینی الهی سازگار نماید. در پرتو جهان‌بینی الهی است که انسان دارای هویتی روشن، امیدبخش و هدف‌مند می‌گردد. این هویت و معنویت دینی امروز با چالش معنویت‌های نوین و جدید روبه‌روست. امام خمینی(ره) می‌فرمود: ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان

خواهند بود، تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۷). باری! شاخص تمایز انقلاب اسلامی ایران از دیگر انقلاب‌ها این است که اساس برنامه‌های آن را وحی الهی و دینی معین می‌کند و انقلاب از هویت و معنویت دینی برخوردار است. این معنویت دینی انسان‌ها را به ارزش‌های اخلاقی پایبند و او را به ستم‌زدایی و عدالت‌خواهی سوق می‌دهد و با مبانی و فرهنگ غربی کاملاً متضاد است؛ لذا برنامه‌ریزان غربی در تلاشند تا معنویت دینی را تضعیف نمایند تا در سایه‌ی باورسوزی، سیاست خود را بر ملت‌ها تحمیل نمایند و بدین‌وسیله زمینه‌ی فروپاشی انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی را فراهم آورند.

جنبش‌های نوپدید دینی^۱ (NRMs)

در چند دهه‌ی اخیر ملت‌ها شاهد ظهور و بروز گروه‌ها و جنبش‌هایی بودند که توانستند در مدت کوتاهی با استفاده از فضاهای مجازی به‌راحتی وارد کشورها شده و به فرهنگ ملت‌ها و هویت آن‌ها ضربه بزنند. شروع دوران مدرنیته در غرب و رشد تفکرات اومانیستی، حاکمیت عقلانیت ابزاری، سنت‌گریزی، تعبدستیزی و مانند آن، زمینه‌های بروز یک خلأ معنوی را به‌وجود آورد و توانست انسان‌های نیازمند به معنویت را که در جست‌وجوی معنویت بودند به‌سوی این جنبش‌های نوپدید بکشاند. از سویی دیگر، یکی از بحث‌های اندیشمندان در جوامع غربی در دهه‌های اخیر موضوع شکل‌گیری جنبش‌های نوپدید دینی بود. آن‌ها در بررسی‌ها به‌دنبال تفاوت‌های میان این جنبش‌ها (که به‌نوعی درصدد ایجاد و تولید معنویت نو و جدید بودند) با ادیان سابق بودند. عدم پاسخ‌گویی از سوی رهبران مسیحیت نسبت به پرسش‌های مطرح‌شده باعث شد که تصویری ناتوان از ادیان ابراهیمی در اذهان مردم اروپا به‌وجود آید و اسباب گرایش عده‌ای به‌سوی این جنبش‌های نوپدید را رقم بزند. باری نیاز به معنویت در دوران گذر از مدرنیته به پست‌مدرن و تشدید نیازهای روحی انسان، زمینه‌ی گرایش به جنبش‌های نوپدید را در غرب بیش‌تر نمود؛ چراکه در پی درهم‌شکستن و فروریختن بسیاری از ایدئولوژی‌های غربی که آبخور اندیشه‌های فلسفی قرن ۱۸ و ۱۹ اروپا بودند و با برچیده‌شدن بساط اندیشه‌های فلسفی جدید توسط پست‌مدرنیسم، بیش‌تر متفکران و اندیشمندان معتقد شدند که دیگر مکاتب فلسفی نمی‌توانند گره از کار غریبان بکشایند و تشنگی معنوی آن‌ها را رفع کنند؛ از این‌رو بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در ربع قرن گذشته جنبش‌هایی در

1. New religious movements.

آمریکا و اروپا جهت رفع نیازهای معنوی به وجود آمد و برخلاف مدرنیسم که مخالف تنوع‌طلبی و تکثرگرایی بود و می‌کوشید که همواره حمایت‌کننده‌ی یک اندیشه باشد، پست‌مدرنیسم، تکثرگرایی و تنوع‌طلبی را به رسمیت شناخت (بیات، ۱۳۸۱: ۵۰۷). پای‌بست چنین تفکراتی، تکثرگرایی و شرایط شکل‌گیری جنبش‌ها را رقم زد و در چنین فضایی در قالب معنویت به ترویج اموری پرداختند که هرگز تصور آن نمی‌شد. نادیده گرفتن نقش دین در سلوک معنوی، به‌حاشیه‌راندن عقل، طالع‌بینی، جادوگری، پیشگویی، احضار و ارتباط با ارواح تنها پاره‌ای از این القائنات بود که در قالب جنبش‌ها برای ترویج معنویت نو به بشر نیازمند ارائه شد. ایران نیز از این پدیده‌ی وارداتی حساب‌شده بی‌نصیب نماند و در معرض این چالش غربی قرار گرفت. برخی از این جنبش‌ها چند سالی است که در کشورمان فعالیت گسترده‌ای انجام داده و در برابر انقلاب اسلامی و معنویت دینی آحاد مردم، صف‌آرایی کرده‌اند.

تقابل دو نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی

به نظر می‌رسد بین این دو نوع معنویت، تقابلی مبنایی وجود دارد. نوع نگاه به انسان و نوع نگاه به جهان، سعادت، اخلاق، عدالت، رفاه و خلاصه نوع نگاه به معنویت تفاوت اصولی وجود دارد و از نظر مبنایی و مبانی این دو نگاه با هم هم‌خوانی ندارند. معنویتی که مبتنی بر نظام لیبرال دموکراسی غربی باشد و پای‌بست و داربست شکل‌گیری آن بر اساس آن نظام باشد، نمی‌تواند با معنویت دینی که توحیدمحور است و کمال و سعادت و رستگاری انسان را در پرتو بندگی جست‌وجو می‌کند، یکی باشد. بدین‌سان به اختصار برخی از تقابلهای اصول و مبانی معنویت نوپدید با معنویت دینی که ماهیت انقلاب اسلامی را شکل می‌دهند، بررسی می‌کنیم.

خدامحوری در برابر خودمحوری

انسان از سپیده‌دم تاریخ تاکنون به حکم فطرت پاک خدادادی خود، اعتقاد به خدا را به‌عنوان اساسی‌ترین باور دینی در نهاد خود داشته است. او نیک دریافته است که این باور هر اندازه در عمق جان انسان بیش‌تر رسوخ کند، در انگیزه‌ها، آرزوها، اندیشه‌ها، گفتار و حتی رفتار وی تأثیر می‌گذارد. در اهمیت توحید و یکتاپرستی همین بس که اولین شرط تشریف انسان به آیین اسلام می‌باشد. همه‌ی پیامبران کوشیده‌اند تا مردم را به توحید و یکتاپرستی فراخوانند (نحل: ۳۶ انبیاء: ۲۵). قرآن که زبان اسلام است یاد خدا را سبب اطمینان و آرامش قلوب می‌داند و می‌فرماید: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب»؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است،

آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد (رعد: ۲۸). پای‌بست اسلام ناب، تفکر توحیدی است و معنویت دینی و اسلامی با این نگاه محوری شکل گرفته است. در این معنویت ارتباط با سرچشمه‌ی هستی و تداوم آن ضمن گره‌گشایی، باورهای آدمی را تحت کنترل آدمی درمی‌آورد و عزم انسان را در پیمودن مسیر خود جزم کرده و کمک می‌کند تا راه را تا آخر طی نماید. پروردگاری که واجد صفاتی هم‌چون: رحمان، رحیم، جواد، کریم و خیرخواه می‌باشد، حل هر مشکلی در برابرش بسیار آسان بوده و بی‌تردید مایه‌ی آرامش دل‌ها و تقویت باورها می‌گردد.

این نگاه در معنویت نوپدید هیچ جایگاهی ندارد. به‌عنوان مثال، توصیفاتی که "اشو" از خدا ارائه می‌دهد، واجب‌الوجود بالذات من جمیع‌الجهات نیست! مبدائی نیست که موجودات هستی به آن مبدأ تعلق داشته و به او وابسته باشند. خدای اشو، خدای مجوز صدور سکس است؛ خدای جشن و شادی است؛ خدای زمینی است؛ شعر است و رقص و ... (اشو، ۱۳۸۳: ۲۲). گوئی انسان قرار است جای خدا قرار گیرد و ارتباط با آسمان و آن مبدأ حکیم معنای خود را از دست می‌دهد. اصولاً محوریت با انسان است و همه‌ی مسائل با توجه به انسان تفسیر می‌شوند؛ ولی انسانی که خود خداست. به‌عبارتی دیگر، سامان‌بخشی معنویت نوپدید بر محوریت انسان است، نه خدا. در بسیاری از این آموزه‌ها هدف از معنویت‌های نوپدید آرام‌گرفتن دردها و رنج‌ها می‌باشد و رهایی از مشکلات و سختی‌ها و جایگزین کردن شادی‌ها به‌جای آن؛ و جایی برای بندگی انسان و ارتباط با آسمان وجود ندارد. "هارولد کلمپ" از رهبران اکنکار در عبارتی مدعی می‌شود که می‌توان به‌جای ارتباط با خدا با ماهانتا و رهبر فرقه ارتباط برقرار نمود. او می‌نویسد:

«استاد وسیله‌ی رسیدن به سرزمین‌های خداوند است که روح الهی آن را در اختیار ما قرار داده است. در مدرسه‌ی اک هیچ روزنه‌ای وجود ندارد که یک بچه بتواند به‌وسیله‌ی آن از دید استاد بیرون رفته و گم شود.» (هارولد کلمپ، ۱۳۸۰: ص ۷۰)

در عبارت دیگری "پال توئیچل" بنیان‌گذار جنبش اکنکار از زبان رهبر معنوی خود "ریازار تارز" مدعی می‌شود خدایی که مسیحیان، یهودیان و... ده‌ها دین و مذهب دیگر در جهان زمینی و حتی تا چهارمین بخش اعظم هستی که جهان‌های خدایی را تشکیل می‌دهد تصور می‌کنند، وجود ندارد (توئیچل، حکمت اک: ۶). یا "سای بابا" یکی از رهبران جنبش‌ها مدعی می‌شود که در تعالیم خودش جایی برای خدا وجود ندارد و با انجام سحر و جادو خود را همه‌کاره معرفی می‌نماید و متأسفانه عده‌ای از مردم را از کشورهای مختلف جذب کرده بود (نگارش، ۱۳۹۰: ۱۸۳). در معنویت‌های نوپدید هم‌چون اکنکار، فالون دافا، اشو، عرفان

سرخ‌پوستی، کاستاندا و... خدا جایگاه واقعی خود را که در ادیان ابراهیمی و در معنویت دینی بر آن تاکید شده است، ندارد و از جایگاه متعالی و قدسی و بیرونی خود به‌عنوان واجب‌الوجود بالذات من جمیع‌الجهات خارج شده و به یک جایگاه فرودین و درونی تنزل پیدا کرده است. یعنی صفات ثبوتی هم‌چون حکیم‌بودن، عالم‌بودن، قادر‌بودن در آن مبدأ وجود ندارد و آنچه که بانیان معنویت‌های نوپدید می‌گویند، هیچ تناسبی با خدایی که در معنویت دینی به‌ویژه اسلام ناب اشاره می‌شود، نیست.

شریعت‌محوری در برابر شریعت‌ستیزی

در مدل‌های معنویت نوپدید، شریعت نبوی جایی ندارد و همواره پیروان دعوت به اباحی‌گری و بی‌بندوباری می‌شوند و با القای دستورالعمل‌های ساختگی و مراقبه‌های سطحی، خلأ شریعت ادیان را به‌نوعی پر می‌کنند. در برابر این مدل، معنویت دینی همواره بر پیروی از شریعت که پیروی از خدا و آموزه‌های وحیانی است تأکید دارد. قرآن می‌فرماید:

«قل ان کتتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد» (آل‌عمران: ۳۱).

اصرار قرآن که زبان اسلام است بر این نکته است که راه رستگاری از طریق پیروی از دستورات الهی می‌گذرد. و می‌فرماید: «فمن تبع هداى فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ پس آنان که هدایت‌م را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد» (بقره: ۳۸). از این آیات استفاده می‌شود که در سلوک معنوی اگر غیر از راه شریعت نبوی برویم به رستگاری نمی‌رسیم. از طرف دیگر، از آنجایی که در معنویت‌های نوپدید، دستورالعمل‌ها با شریعت نبوی هم‌خوانی ندارد؛ جز نابودی و هلاکت چیز دیگری برای انسان نخواهند داشت. "شو" از رهبران معنویت‌های نوپدید می‌گوید: هر پیامبری تا زمانی که شریعت او زنده است پابرجاست، اما وقتی که صاحب اصلی شریعت از دنیا رفت در آن صورت شریعت او به‌مثابه یک نعش است. نعش بی‌روح که زندگی در آن جاری نیست و هم‌چون بدنی بی‌خاصیت است (اشو، ۱۳۸۴: ص ۷۹). "پال توتیچل" رهبر اکنکاری‌ها در تعبیری صریح مدعی می‌شود که به‌سختی می‌توان ادعا کرد که دین و مذهب پدیده‌ای ساخت بشر نباشد و کشیش‌ها و مقامات روحانی یقیناً از طرف کسی جز خودشان ماموریت نیافته‌اند (پال توتیچل، ۱۳۷۹: ۲۲). در معنویت اکنکاری، طرف‌داران همواره دعوت می‌شوند که دستورالعمل‌های جنبش را جایگزین دستورالعمل‌های دینی هم‌چون نماز قرار دهند و یا روزه‌ی ذهنی را جایگزین روزه‌ی که در شریعت سفارش شده قرار دهند (هارولد کلپ، ۱۳۸۰: ۱۳۳). زیر پا

قراردادن دستورالعمل‌های شریعت از طریق القای رهبران معنویت نوپدید به این که خط قرمزی وجود ندارد و انسان می‌تواند آن‌ها را انجام دهد، از دیگر شاخص‌های معنویت‌های نوپدید است (پائولو کوئلیو، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

اخلاق محوری در برابر اخلاق‌ستیزی

در معنویت دینی، ارزش‌های اخلاقی جایگاه خاصی دارند. کسی که به فرجام و معاد اعتقاد دارد قطعاً به گونه‌ای رفتار می‌کند که رضایت شارع مقدس را جلب نماید؛ شارع و خالق حکیم که پیوسته حاضر و ناظر بر رفتار انسان‌ها است. قرآن کریم می‌فرماید: «الم يعلم بان الله یری؛ آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند» (علق: ۱۴). توجه به این واقعیت که هر کاری انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خداست و اصولاً تمام هستی محضر خداست و چیزی از اعمال و حتی نیت آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه‌ی زندگی و رفتاری انسان تأثیر گذارد و او را از خلاف کاری‌ها باز دارد. از سوی دیگر در معنویت نوپدید، تقیدی بر این معنی وجود ندارد و گوئی انسانی هم که مرتکب رفتارهای غیراخلاقی شود، منافاتی با معنویت‌خواهی او پیدا نمی‌کند. این رویکرد زمینه‌ی جرأت بر کارهای خلاف را در بین گروندگان به معنویت نوپدید دوچندان نموده است. ویلیام گاردنر نویسنده معروف غربی درباره‌ی زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و ارزش‌ها در غرب می‌نویسد:

«۷۰ درصد مأموران تحقیق آنتاریو با جوانان خلاف‌کاری که دارای علایق شدید شیطان‌پرستی هستند برخورد کرده‌اند. رابرت تاکر (کارشناس) اظهار کرده که این موارد (خلاف‌کاری) در تمام آمریکا و کانادا در حال افزایش است. او می‌گوید در فلسفه‌ی شیطان‌پرستان قتل، خودکشی، مثله‌کردن و تجاوز تقدیس می‌شود. گروه‌های موسیقی آشکارا دعوت به قتل و خوردن خون می‌کنند. جیمز توپین جوان ۱۸ ساله‌ای که یک پرستار را کشت، شیطان‌پرست بود. سه پسر چهارده ساله‌ای که در کانادا به دار آویخته شدند، شیطان‌پرست بودند.» (ویلیام گاردنر، ۱۳۸۶: ۳۲۷)

بانیان معنویت‌های نوپدید از لذت‌خواهی و بهره‌مندی آزاد و بدون قید از دنیا دم می‌زنند؛ چراکه مبانی آن‌ها مبتنی بر سکولاریزم و لیبرالیسم می‌باشد. به‌عنوان مثال، پائولو با طرح موضوع افسانه‌ی شخصی افراد، ارضای امیال و هرگونه خواهشی که فرد از دوران کودکی یا نوجوانی در دل پرورانده را تجویز می‌کند و تنها راه تعالی باطنی آدمی را در تلاش برای به‌ثمر رساندن آن افسانه می‌داند. او خطوط قرمز اجتماعی، اخلاقی و ... را که مانع تحقق افسانه شخصی افراد دانسته و شهادت در شکستن این حدود و عبور از آن

خطوط را عامل پیشرفت می‌داند. "شو" هم ارضای بی‌حد و اندازه‌ی غرایز جنسی را بدون توجه به معیارهای اخلاقی توصیه می‌کند.

واقع‌گرایی معرفتی و ارزشی در برابر ناواقع‌گرایی معرفتی و ارزشی

در معنویت نوپدید واقع‌گرایی معرفتی و ارزشی نفی می‌گردد و از آن‌جا که جنبش‌های نوپدید مبانی خود را از مبانی نظام لیبرال دموکراسی غرب می‌گیرند، همه‌ی ارزش‌های دینی را غیرواقعی می‌دانند؛ حال آن‌که در معنویت دینی معرفت‌ها ریشه در واقع و نفس‌الامر دارند و تصورات و تصدیقات ما حاکی از واقعیت‌اند. در تفکر معنویت نوپدید، در خارج از ذهن آدمی چیزی نیست و اگر چیزی باشد، قابل شناخت برای ما نمی‌باشد. در واقع‌گرایی ارزشی که در معنویت دینی مطرح می‌باشد ارزش‌های دینی و اخلاقی ریشه در واقعیت دارند و ساخته و پرداخته‌ی ذهن انسان، احساسات و امیال آدمی نمی‌باشند؛ در حالی که در معنویت نوپدید با اعتقاد بر ناواقع‌گرایی ارزشی هیچ‌گونه منشأ و مبدائی برای ارزش‌های دینی و اخلاقی قائل نمی‌باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۷). غالب رهبران جنبش‌های نوپدید که مدعی معنویت نوپدید هستند، ارزش‌های دینی را غیراخلاقی می‌خوانند و معتقدند ارزش‌های دینی سلیقه‌ای است. طبیعتاً اگر کسی ارزش‌ها را واقعی ندانست، به لوازم آن یعنی کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی ملتزم می‌شود. "دلایلی لا‌ما" رهبر تبتیان ضمن نسبی‌دانستن امور می‌گوید: فرد باید تشخیص دهد که هر پدیده‌ای جنبه‌های مختلف دارد؛ همه‌چیز از یک طبیعت نسبی برخوردار است و هیچ‌چیز خوب و بد مطلق یافت نمی‌شود (فعال، ۱۳۸۸: ۱۲۰). پائولو کوئیلو هم ضمن تایید ناواقع‌گرایی معرفتی و ارزشی می‌گوید: باید اعلام کرد که انسان می‌تواند مسلمان باشد یا کاتولیک یا بودائی یا لامذهب یا شکاک و این موضوع به کسی ارتباط ندارد (پائولو کوئیلو، ۱۳۷۹: ۹۴). نکته‌ی مهم آن است کسانی که واقع‌گرایی معرفتی و ارزشی را انکار کردند، باب ورود به نسبی‌گرایی را باز کرده و شعار نسبی‌ت در معرفت‌ها و ارزش‌ها را سر دادند؛ با این رویکرد دیگر معیار صدق و معرفت مطابق با واقع نیست، بلکه ممکن است برای کسی صادق باشد و برای دیگری کاذب. در ارزش‌ها هم همین‌گونه است. در واقع، ارزش‌ها اموری قراردادی و سلیقه‌ای هستند. بدین‌روی با نگاه نسبی‌گرایی، هم‌جنس‌بازی، خودکشی، خون‌خوری و... مباح می‌گردد. امروز بسیاری از انحرافات که در قالب معنویت نوپدید عرضه شده‌اند، برگرفته از این مبنا‌ی لیبرالیستی‌اند. ترویج مسائل جنسی در تفکر اشوئی یا ترویج خودکشی در جریان فکری پائولو همه برگرفته از این تفکر انحرافی است (پائولو کوئیلو، ۱۳۸۰: ۱۳۵). با این رویکرد ارزش‌های دینی انقلابی همه بی‌معنا می‌شوند و جایگاه واقعی خود را از دست می‌دهند.

سیاست متعالیه

- سال چهارم
 - شماره چهاردهم
 - پاییز ۹۵
- معنویت‌های نوپدید
و چالش‌های آینده‌ی
انقلاب اسلامی
(۲۵ تا ۴۰)

حصرگرایی در برابر کثرت‌گرایی

بر اساس آموزه‌های معنویت دینی - که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی اسلام ناب است - دین کثرت نمی‌پذیرد و یکی بیش نیست. حقیقت دین یکی است که همان تسلیم در برابر خداوند است: «ان الدین عندالله الاسلام» (آل‌عمران: ۱۹). بنابر آیات قرآنی پیامبر اسلام هدایت بشر را تا ابد به‌عهده دارد و خاتم پیامبران و کامل‌کننده‌ی شرایع پیشین است؛ از این رو قوانین شریعت اسلام هدایت بشر را تا ابد به‌عهده دارد. باری اگر کاربست واقع‌گرایی معرفت‌شناختی را در نگاه حصرگرایی دینی آن‌هم برترین ادیان یعنی اسلام پذیرفتیم، دیگر جایی برای کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی باقی نمی‌ماند. در واقع یک معرفت صادق وجود دارد و آن معرفتی است که مطابق با واقع است و دیگر معرفت‌ها کاذب و بی‌ارزش هستند؛ اما اگر ناواقع‌گرایی معرفت‌شناختی را قبول کردید، باید از کثرت‌گرایی معرفتی دفاع کنیم. امروز مدافعان تفکر لیبرال دموکراسی در قالب معنویت نوپدید خواسته یا ناخواسته اقبال به کثرت‌گرایی کرده‌اند. به‌عنوان مثال "دلایی لاما" می‌گوید:

«در این جهان آدم‌های مختلفی هستند و باورهای مختلفی دارند. پنج میلیارد انسان روی کره‌ی خاکی زندگی می‌کنند و من معتقدم به ۵ میلیارد دین مختلف نیاز داریم؛ چراکه در برداشت‌ها و تفکرات انسان‌ها تنوع بسیار گسترده‌ای وجود دارد. به اعتقاد من هر انسانی باید از یک مسیر معنوی عبور کند.» (شریفی، ۱۳۸۹:

(۶)

خردمحوری در برابر خردستیزی

معنویت دینی خردگراست. در آموزه‌های وحیانی و اسلامی عقل، پیامبر باطنی انسان است. روایات فراوانی وجود دارد که بر به کارگیری عقل و خرد تأکید شده است. سیره‌ی عملی رهبران دینی هم نشان‌گر آن است که آن‌ها هم خود و هم دیگران را به همراه کردن تدین و تعقل برمی‌انگیختند. قرآن که زبان اسلام است می‌فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون»؛ و ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن‌چه را که برای مردم نازل شده تبیین کنی که مردم بیندیشند (نحل: ۴۴). از سویی دیگر عقل‌ستیزی و مخالفت با تعقل و اندیشه‌ورزی در دستور کار برنامه‌های بانیان معنویت‌های نوپدید دینی است. فکرخوانی، نیرودرمانی، استفاده از سحر و جادو، حلقه‌زدن زنان و مردان عریان برای یافتن تمرکز ذهنی، ترویج مراقبه‌ها و مدیتیشن‌هایی که هیچ‌گونه پشتوانه‌ی شرعی و عقلی ندارند، تنها گوشه‌هایی از کارهایی است که مدعیان معنویت‌های مدرن به مخاطبان عرضه می‌کنند. "وشو" در عبارتی عجیب می‌گوید: «شما باید اندیشمندان منطقی را رها کنید. شما باید غیرمنطقی بشوید؛ باید برای پذیرش امور غیرعقلانی آماده شوید، چون زندگی

غیرعقلانی است» (اوشو، ۱۳۸۴: ۶۳). رهبران این نوع معنویت برای این که بتوانند القائات ذهنی و بافته‌های شخصی خودشان را بر مخاطبان تحمیل نمایند، شعار پرهیز از عقل و خردستیزی را سر می‌دهند. در این حالت بی‌خردی است که می‌توانند استفاده از مواد توهم‌زا و سکرآور، زیاده‌روی در مسائل جنسی و هرزگی، تباه‌نمودن پیشینه‌ی درخشان معنویت‌های دینی ادیان ابراهیمی را به مخاطبان القا کنند.

مسئولیت آفرینی در برابر انزواطلبی و عزلت‌نشینی

رهبران معنویت دینی براساس آموزه‌های وحیانی به‌همان اندازه که دغدغه‌ی سعادت‌مندی خود را در سر دارند، به رستگاری هم‌نوعان خودشان نیز می‌اندیشند. آنان همواره مشکلات دیگران را مشکلات خود دانسته و سعی می‌کنند آن‌ها را برطرف نمایند. در این نگاه آسمانی، کسانی که از معنویت دینی برخوردارند، نمی‌توانند در قبال مسائل هم‌نوعان خود بی‌تفاوت باشند. امام صادق(ع) می‌فرماید:

«علیکم بالنصح لله فی خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه؛ بر شما باد خیرخواهی
بندگان خدا برای رضای خدا که با کاری برتر از آن خداوند را دیدار نخواهی
کرد» (کلینی، ج ۲: ۲۰۱).

از سویی دیگر در معنویت‌های مدرن و جدید با ابزاری هم‌چون تمرکز، مدیتیشن و... شرایط گوشه‌نشینی افراد را فراهم می‌آورند و هرچیزی را که موجب تقویت این تمرکز شود، خوب و باارزش تلقی می‌کنند. به‌همین جهت شرایط بی‌توجهی پیروان خود را به مسائل سیاسی و حکومتی فراهم می‌نمایند. این حرکت حساب‌شده باعث می‌شود پیروان این نوع معنویت‌ها همواره در خود فرو روند و در قبال ظلم‌ها و جنایت‌های احتمالی که رخ می‌دهد، بی‌تفاوت باشند. آن‌ها مدعی هستند که این نوع مراقبه‌ها آرامش ایجاد می‌کنند، به‌گونه‌ای که ذهن از اشتغال به مسائل بیرون از خود عاری‌شده و همواره در خود فرو می‌رود؛ در حالی که در نگاه معنویت دینی، راه کسب آرامش از طریق ارتباط با خدا و دستورالعمل‌هایی در چارچوب شریعت شکل می‌گیرد و غیر از آن مردود است. خداوند در قرآن کریم صاحبان خرد را کسانی معرفی می‌کند که خداوند را به یاد آورند و در آفرینش او بیندیشند.

امروزه مراقبه‌های معنویت‌گرایان با شیوه‌ی خالی‌ساختن ذهن از هرگونه اندیشه و رسیدن به خلأ و خلسه‌ی باطنی انجام می‌پذیرد. در مدیتیشن متعالی (t.m) که عالی‌ترین شیوه‌ی مراقبه در معنویت و عرفان‌های غیردینی است، انسان با خیره‌شدن به یک شعله‌ی شمع یا تکرار صدا یا لفظ و کلمه‌ای خاص (مانترا) یا تمرکز بر روی تنفس می‌کوشد توجه خویش را از هرچیز دیگری منصرف ساخته و به غیر از این امور فکر نکند؛ تا

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره چهاردهم
- پاییز ۹۵

معنویت‌های نوپدید
و چالش‌های آینده‌ی
انقلاب اسلامی
(۲۵ تا ۴۰)

آنجا که تمام توجه او به آن شعله یا کلمه جلب شود و خلسه‌ای نسبی برای آن فرد حاصل شود. کمال این خلسه آن است که فرد توجهش را از آن شعله یا کلمه هم قطع کند و ذهن را از توجه به هر چیزی خالی سازد. اوشو یکی از مدل‌های مراقبه و مدیتیشن خود را این گونه تشریح می‌کند:

«در جایی که احساس ناراحتی می‌کنید بنشینید، آنگاه دست‌هایتان را روی دامن‌تان بگذارید. دست راست را زیر دست چپ قرار دهید! این حالت مهم است... دو شصت به هم متصل می‌شوند. آن وقت استراحت کنید؛ چشم‌هایتان را ببندید. اگر ممکن است با ۵۰ دقیقه شروع کنید... هر روز این عمل را انجام دهید.» (اوشو، ۱۳۸۰: ۹۱)

این نوع مراقبه‌ها در میان رهبران جنبش‌های نوپدید هم چون تنزین گیاتسو، لی هنگ جی، کارلوس کاستاندا، هارولد کلمپ و... در حد بسیار زیادی ترویج می‌شود. حقیقت آن است از یک سو تمام مراقبه‌ها به قصد پرکردن جایگاه شریعت دینی قد علم کرده‌اند، و از طرفی دیگر آنچه که قابل توجه است، مدل این نوع مراقبات و مدیتیشن‌ها، انسان‌هایی عزت‌نشین و بیزار از جامعه و اجتماع را تحویل می‌دهد و این همان چیزی است که بیگانگان در پی ریزی پای‌بست معنویت‌های جدید دنبال می‌نمودند.

نتیجه‌گیری

میان معنویت‌های نوپدید - که بر اساس تفکرات بشری و تجربیات شخصی شکل گرفته - با معنویت دینی - که بر اساس آموزه‌های وحیانی است - تفاوت ماهوی وجود دارد. معنویت دینی، تنها معنویت جامعی است که می‌تواند پاسخ‌گوی همه‌ی نیازهای انسانی باشد و از آنجایی که نگاه توحیدی دارد و با فطرت انسان عجین است، بهترین پاسخ‌گوی احتیاجات بشری است. در این معنویت اصالت انسان در پرتو بندگی مبدائی تفسیر می‌شود که واجب‌الوجود بالذات من جمیع‌الجهات است؛ مبدائی حکیم که از طریق آموزه‌های وحیانی، راهنمای سعادت و رستگاری انسان برای همیشه تاریخ است. این راهنمایی آسمانی و فراشری به دنبال این است که انسان به مقام و جایگاه خلیفه‌اللهی دست یابد و به عزت و شرافت و مقام معنوی خود آشنا شود؛ بداند که همه‌ی هستی برای انسان خلق شده تا بتواند در پرتو این ظرفیت بی‌ظنیر تقرب بیش‌تری به خدای متعال کسب نماید. او نیک می‌داند که راه کسب تقرب بیش‌تر در پرتو عمل به شریعت و دستورالعمل‌های آسمانی است و تنها شریعت نبوی است که می‌تواند سعادت و رستگاری انسان را به ارمغان آورد. بدین سان معنویت‌های نوپدید که برپایه‌ی توحید شکل نگرفته‌اند و صرفاً متکی به

تجربیات شخصی رهبران‌شان هستند و نسخه‌های سطحی‌ای هم‌چون: انواع مراقبه‌ها و مدیتیشن‌های گوناگون را می‌پیچیند، هرگز نمی‌توانند پاسخ‌گوی همه‌ی نیازهای آدمی باشند و آن‌ها را به رستگاری برسانند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است رهبران جنبش‌های نوپدید که بانیان اصلی معنویت‌های نوپدید دینی هستند با استفاده از نفوذ در میان پیروان ادیان، به‌دنبال آن هستند که بگویند آنچه در قالب معنویت نوپدید عرضه می‌شود، همان معنویت دینی است که سابق بر آن ادیان ابراهیمی مطرح می‌نمودند. آن‌ها با استفاده از خلأها و کمبودهای مطرح شده و به‌وجودآمده در ارائه‌ی برنامه‌های ادیان ابراهیمی و معنویت دینی، کوشیده‌اند از طریق ادبیات سهل و دل‌پذیر، عده‌ای از مخاطبان را به‌طرف خود جذب نمایند. آن‌ها شناخت کافی و جامعی از همه‌ی ابعاد وجودی انسان و نیازهای او نداشته‌اند و صرفاً در جهت رفع بعضی از نیازها گام برداشته‌اند. پایه‌گذاران معنویت‌های نوپدید و مدرن نمی‌خواهند انسان‌ها به جایگاه واقعی و شرافت و عزت خود دست یابند. آن‌ها به‌دنبال اثبات این نکته هستند که معنویت جدید از دین‌های آسمانی جدا شده و دیگر ضرورتی در دین‌داری معنویت‌داران وجود ندارد. سیاست‌زدائی گام دیگری است که طراحان معنویت‌سازی نوپدید و مدرن به‌دنبال آن بوده‌اند؛ یعنی کسانی که از این معنویت برخوردار می‌شوند، لازم نیست که افرادی سیاسی باشند و در مسائل سیاسی هم ورود پیدا کنند. همچنین لازم نیست در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی و هرگونه ظلم و بیادگری از خود عکس‌العملی نشان دهند. طرح قبح‌زدائی از گناه‌ها از دیگر تدابیر این جنبش‌هاست تا بدین‌وسیله مغایرت‌های موجود بین گناهان و معنویت‌داری برجیده شود. هم‌چنین آن‌ها به‌دنبال نابودی میراث فرهنگی و پیشینه‌ی معنویت دینی هستند. نتیجه‌ی این نوع معنویت‌های دروغین، ظلم و استعمار آحاد مردم خواهد بود که به تبع آن بتوانند آثار انقلاب اسلامی را به‌تدریج کم‌رنگ نمایند و به عمر نظام اسلامی خاتمه بخشند. باری آنچه که باعث شد انقلاب اسلامی شکل بگیرد، معنویت و هویت دینی بود که به‌واسطه‌ی همت و اراده‌ی الهی مردی از تبار صلحا و اولیای الهی در این کشور احیاگری شد و این همه برکات - هم‌چون: بیداری و بصیرت‌زائی برای همه‌ی مسلمانان - را به ارمغان آورد. امروز معنویت‌های دروغین در پی نابودی این معنویت آسمانی هستند. آنچه قابل توجه است، مفهوم انقلاب اسلامی است که از جنس قیام‌های ایدئولوژیکی می‌باشد و با نگاهی جامعه‌شناختی و ایدئولوژیکی به موضوع انقلاب، ضمن پذیرش سیر و روند اجتماعی تحقق انقلاب، موفقیت آن را با عیار بسط و گسترش تفکر ایدئولوژیکی آن می‌سنجد و راه آینده را در گسترش معنویت دینی اسلامی و تمیز آن از معنویت سکولار و غیردینی می‌داند. باری تداوم حرکت روبه‌رشد انقلاب اسلامی منوط به حفظ هویت دینی و معنویت اسلامی

آن است و اگر مانند گذشته، معنویت آسمانی و دینی آن برقرار بماند، تداوم حرکت روبه‌رشد آن در برابر همه‌ی طرفندهای بیگانگان قطعی خواهد بود. بی‌تردید بصیرت‌زایی نقش به‌سزایی در تقویت این حرکت روبه‌رشد خواهد داشت.

منابع

۱. قرآن
۲. اوشو (۱۳۸۰). شهامت. ترجمه: خدیجه تقی‌پور. تهران: هودین.
۳. — (۱۳۸۳). از سکس تا فراآگاهی. تهران: هودین.
۴. — (۱۳۸۴). آواز سکوت. ترجمه: جواد سیدحسینی. تهران: هودین.
۵. بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۶. حمیدی، بهزاد (۱۳۹۲). جنبش‌های نوپدید معنوی، دین یا عرفان. مجله ادیان و مذاهب، ش یکم، بهار و تابستان ۹۲.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه کیهان.
۹. شریفی، احمد حسین (۱۳۷۸). درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب. تهران: به‌آموز.
۱۰. — (۱۳۸۹). جنگ نرم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۱. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگ اسلامی.
۱۲. فعالی، محمدتقی (۱۳۸۹). آفتاب و سایه‌ها، نگرشی بر جنبش‌های نوظهور معنویت‌گرا. تهران: عابد.
۱۳. — (۱۳۸۸). نگرشی بر آراء و اندیشه‌های دالایی لاما. تهران: سازمان ملی جوانان.
۱۴. کلمپ، هارولد (۱۳۸۰). تمرینات معنوی اک. ترجمه: مرجان داوری. تهران: سی‌گل.
۱۵. کوئیلو، پائولو (۱۳۷۹). اعترافات یک سالک. تهران: نشر بهجت.
۱۶. — (۱۳۸۰). ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد. تهران: نشر کاروان.
۱۷. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. ترجمه: محمدی. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
۲۰. موسوی‌نسب، محمدرضا (۱۳۹۳). اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی. مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره دو.
۲۱. نگارش، حمید (۱۳۹۰). فرقه‌های نوظهور. قم: زمزم هدایت.
۲۲. — (۱۳۸۰). هویت دینی و انقطاع فرهنگی. قم: زمزم هدایت.
۲۳. نگارش، حمید و همکاران (۱۳۸۵). فرهنگ شیعه. قم: زمزم هدایت.